



|روزنامه جوان |شماره ۵۷۴۴

این رشته سر دراز دارد

# آنانی که برخلاف کارنامه انتخاب رشته می‌کنند



▀بیلاجعفری

چه رشته‌ای انتخاب کنیم؟ این پرسشی است که در روزهای اخیر خیلی از جوانان و نوجوانان دانشجو و دانش آموز از خود پرسیده‌اند. شاید پس این پرسش این باشد که می‌خواهم چه شغل و پیشه‌ای داشته باشم؟ یا این پرسش است که: من که هستم و برای چه کاره شدن به این جهان با گذاشته‌ام؟

شاید خودمان هم ندانیم که وقتی حرف از این می‌زنیم که چه رشته‌ای

▀ فشار والدین و تصمیم فرزندان

شاید الان با خواندن این مقدمه به خود بگویید مگر دانش آموزی که تنها ۱۵ یا ۱۶سال دارد و جوانی که برای ورود به دانشگاه ۱۸، ۱۹ سال دارد و حالا باید انتخاب رشته تحصیلی‌اش را انجام دهد، چقدر پخته است که بشود از او انتظار خودشناسی و تعمق را داشت؟! شاید این پرسش تا اندازه‌ای در ست باشد ولی این پرسش بیشتر در افکار کسانی پیدا می‌شود که چندان هم به فرزندان خود با کودکان و نوجوانان خود اعتمادی نداشته و ندارند! اعتماد کردن بسه فرزند و اینکه بدانیم او هم می‌تواند تصمیم درست بگیرد، شاید یکی از عمیق‌ترین و مهم‌ترین مشکلاتی باشد که خانواده‌ها در این وقت‌ها با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. خیلی‌ها از اینکه فرزندان نمی‌توانند تصمیم درستی در این باره بگیرد رنج می‌برند ولی دلیل اصلی آن را معمولاً نمی‌توانند به درستی ببینند. آنها می‌بینند که فرزندان نمی‌تواند تصمیم درست و قاطعی برای آینده خود و اینکه وارد چه رشته‌ای بشود بگیرد و از این بابت رنج هم می‌برند و شاید بسیار هم عذاب می‌کشند اما ممکن است درک نکنند تمام اشکال کار در آن دختر یا پسر نوجوان نیست!

فرزند خانواده در این برزخ که من کدام راه را بروم گیر کرده نمی‌داند در دوره‌ای هایی که سر ااهش قرار گرفته، کدام راه را برگزیند و چه تصمیمی بگیرد که در این بین دچار مشکل دیگری هم می‌شود و آن اینکه «چرا نمی‌توانم»
**خاتون تهرانی**
برخی از نوجوانان این روزها گرفتاری بزرگی دارند. اگر فرد نوجوان یا جوانی هستیم حتماً به خوبی جملاتی را که در این نوشته وجود دارد درک می‌کنیم، اما اگر انسان بزرگسالی هستیم، شاید بهتر باشد کمی عقب‌تر برویم و به دوران نوجوانی خود سرری بزنیم.
بر روزهای نوجوانی در حالی که تازه عروسکی یا ماشین اسباب‌بازی را رها کرده بودیم و می‌خواستیم به کار آینده جدی‌تر فکر کنیم، چه فکرهای دیگری به سراغمان می‌آمد؟ تا چند وقت پیش از آن همه به شوی و برپای اینکه سر صحبتی را با ما باز کنند، ممکن بود از ما بپرسند: «می‌خواهی در آینده چه کاره شوی عزیزم؟»

و ماهر بار با این پرسش ژستی به خودمان می‌گرفتم و می‌فکتمید کتر، معلم، مهندس و… خودم‌هم هریازوست کسی را به خود می‌گرفتم که خودکاری در دست دارد و در حال نوشتن چیزی است یا روی دیوار خانه با همان خودکار ژست آموزش می‌گرفتم، مانند یک آموزگار و بااین کار کلی خیال پردازی می‌کردم.
▀▀▀

ژست‌های دوران کودکی به ما اعتمادبه‌نفس می‌داد، درست مثل هر کودک دیگری که با این ژست‌ها احساس بزرگی و کارا بودن پیدا می‌کند ولی در روز انتخاب رشته تحصیلی چطور؟ می‌توانستیم آن ژست‌ها را بگیریم؟ آن روز دیگر از خیال پردازی خبری نبود و وقتش رسیده بود تا ژست‌هایمان را در عالم واقعیت عملی کنیم. شاید شما هم مثل من در آن روز به طور واقعی نمی‌دانستید که دلتان چه می‌خواهد و شاید هم می‌دانستید و شهامت بیشتری را ندانستید یا در بین چند انتخاب نمی‌دانستید کدام را انتخاب کنید یا… آن روز ترس نخستین چیزی بود که در دلمان افتاد با اینکه کلاماً می‌دانستیم چه می‌خواهیم ولی بیشتر ما در ابراز ترس داشتیم. خیلی از نوجوان‌ها هم در این روزها حال آن روز من و شما را دارند. فنی حرفه‌ای و کار و دانش در مدارس کشور وجود دارد، کار بر نوجوانان سخت‌تر هم شده‌است به طور مثال دانش‌آموزی که تا دیروز فرصت انتخاب رشته در هنرهای تجسمی را به صورت محدود داشت، امروزه می‌تواند در رشته‌های گرم،

را انتخاب کنیم در حقیقت و به سادگی با یک دنیا فلسفه و پیچیدگی روبه‌رو شده‌ایم. این فلسفه شاید در ظاهر پیچیده بنما بد ولی در واقع همان درسی است که از ابتدای تولد در خانواده آموخته‌ایم. ما از بدو تولد تربیت شده‌ایم. در هر جایی که متولد شده باشیم، با هر محیط و تربیتی که در آنجا وجود داشته است، دچار خصوصیات شده‌ایم که حالا در این انتخاب کمک بزرگی به ما می‌کند. محیطی که در آن رشد کرده‌ایم با تربیتی که برای ما و امکاتی که برای بروز خصوصیات منحصر به فردمان

تصمیم بگیرم؟ حتماً من آدمک کودن و نالایقی هستم.»
طریق کار نامه دوره نخست دبیرستان به دست آورده بود، این احساس ناخوشایند که معمولاً در اثر فشارهای خانواده یا محیط آموزشی بر نوجوان وارد می‌شود ممکن است او را وادار کند صرف‌نظر از استعدادهایی که دارد تنها به نمرات دروس مختلف و آنچه آنها می‌گویند او باید بشود، اکتفا کند.

▀ تصمیمی برخلاف کارنامه

دختر نوجوانی رامی‌شناسم که نمرات و انتخاب‌هایی که از طریق کار نامه دوره نخست دبیرستان به دست آورده بود، به او اجازه می‌داد وارد رشته‌هایی با اولویت بالا و در واقع بهترین‌ها مانند رشته ریاضی فیزیک شود، در حالی که او دوست داشت وارد هنرستان شود و رشته نقاشی را دنبال کند و برای خودش نقاشی جهانی شود.

این دختر شاید توانسته بود استعدادی را که درون وجودش داشت بشناسد و دنبالش را بگیرد، در حالی که کار نامه و نمرات و مجوزها چیز دیگری می‌گفت. خوشبختانه خانواده این دختر توانستند به انتخابش اعتماد کنند و آزادی کامل را در انتخاب رشته تحصیلی‌اش به او بدهند ولی بسیاری از نوجوانان در همین سرزمین بزرگ خودمان زندگی می‌کنند که انتخاب رشته آموزشی را چندان مهم نمی‌دانند و اهمیت زیادی برای آن قائل نیستند. ممکن است بسیاری از این نوجوانان و حتی خانواده‌هایشان این دیدگاه را داشته باشند که فرقی نمی‌کند در کدام رشته درس می‌خوانی، مهم این است که بالاخره درست را

دغدغه‌های تحصیلی این روزهای نوجوانان و جوانان

## دلت به کدام انتخاب گواهی می‌دهد؟



طراحی، چهره‌سازی، گرافیک و… که بسیار نزدیک به هم هستند، تحصیل کند. این فرصت انتخاب خیلی هم خوب و قابل ستایش است ولی استرس بیشتری به نوجوان می‌دهد. نوجوان امروز باید شناخت بیشتری نسبت به رشته‌ها و در واقع شغل‌های مختلف داشته باشد تا بتواند انتخاب درست‌تر و مناسب‌تری هم کند. به زبان ساده‌تر نوجوانی که تا دیروز درباره شغل و حرفه آینده‌اش خیالی‌بافی می‌کرد، امروز باید از بین راه‌های متعدد راهی را برای رسیدن به رویاهایش انتخاب کند.

شاید تمام ماجرا این نباشد چون امروزه مسائل اقتصادی، در خیلی از موارد مهم زندگی تعیین‌کننده است. به طور مثال ممکن است رشته مورد نظر دانش آموزی محدود باشد و تحصیل در آن او و خانواده‌اش را دچار سختی کند. مثلاً رشته نقاشی حتی در پایتخت کشورمان ایران بسیار محدود است و تنها چند هنرستان این رشته را آموزش می‌دهند. اگر دانش آموزی بخواهد در این رشته درس بخواند ممکن است هزینه‌انرژی و زمان بیشتری لازم داشته باشد. از سوی دیگر هزینه‌های مربوط به این رشته هم نسبت به برخی رشته‌های دیگر بیشتر است و از این بابت ممکن است نارضایتی خانواده را نیز در پی داشته باشد. این مسائل به خودی خود استرس دیگری بر دانش آموز وارد خواهد کرد که انتخاب او برای رسیدن به رویاها یش انتخاب کند

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

نگاه



انتخاب رشته، ریشه در انتخاب‌هایی فراتر دارد

## فرزند خود را

## برای تصمیم‌گیری‌های مهم تربیت کنیم

▀ همایرانی

ممکن است این روز‌ها از اینکه فرزندان نمی‌توانند رشته‌ای را انتخاب کند که آینده‌اش را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، رنج ببرید و در عذاب باشید. ممکن است با خود بگویید چطور است که فرزند من نمی‌تواند تصمیم درستی درباره رشته‌ای که می‌خواهد خودش آن را بخواند و پیشرفت کند، بگیرد؟ در واقع از خود یا او می‌پرسید که چطور می‌شود که فردی نتواند برای زندگی‌اش یکی از مهم‌ترین کارهای مهم یعنی تصمیم‌گیری را انجام و خودش را از بلا تکلیفی نجات بدهد؟!
خیلی از ما با نوجوان‌هایی سر و کار داریم که توانایی تصمیم‌گیری ندارند. شاید هم این ظاهر ماجراست و در واقع ناتوانی در تصمیم‌گیری، عامل آزار دهنده این ماجرا نیست. خیلی عوامل ممکن است در تصمیم‌گیری دخالت داشته باشد ولی اینکه انسانی که در سن نوجوانی و جوانی به سر می‌برد با تصمیم‌گیری درباره رشته‌ای که در آن می‌خواهد درس بخواند، سر نوشت خود را دچار تغییر می‌کند، نکته مهمی است که جای فکر دارد. شاید نوشته یک مقاله و یادداشت در این باره کمک کوچکی به این مهم کند، ولی با کمی تأمل درباره آن شاید شما هم به این نتیجه برسید که باید همین امروز دست به کار شوید و هر کار مثبت و مؤثری را که می‌توانید انجام دهید.

از خودمان پاک کند و از او بابت این موهبت که کنارمان می‌کند سیاست‌گزاری و علاقه‌مان را به او بازگو کنیم. این فرآیند، پاکسازی بزرگی در هستی ایجاد می‌کند که همه آن از خود ما شروع شده است.»

به راستی چند نفر از ما این دیدگاه را قبول داریم و می‌پذیریم که همه چیز از خود ما شروع می‌شود؟ هرچه باشد این طرز تفکر خود و اطرافیان و فرزندانم بسیاری هم در زندگی

ممکن است یک دبیر با خواندن این متن به این فکر بیفتد که تا به حال در این باره چه کاری برای دانش‌آموزان خود کرده‌است؟ آیا تا به حال در لایه‌لای درس‌هایی که از کتاب‌های درسی به آنان می‌داده کمکی هم به شناخت آنان از خودشان که در انتخاب رشته‌شان هم مؤثر خواهد بود، کرده است؟ شاید حالا در سال‌های پیش‌رویش در تدریس این راه هم در نظر بگیرد.
ممکن است مادر و پدری با خواندن این نوشته از خود پرسند که آیا فرزند خود را برای گرفتن تصمیم‌های مهم آماده کرده‌اند؟ اگر هم فرزندنی ندارند یا فرزندان‌شان هنوز به سن نوجوانی و جوانی نرسیده است، در این باره فکری کنند. مثلاً مطالعه‌ای در این باره داشته باشند یا دست‌کم در گوگل گوشی همراهشان یا هر گونه دنیای مجازی که دم دستشان است، کمی در این مورد تحقیق و بررسی کنند.

در این میان نکته مهمی وجود دارد که شاید کسی به آن توجه نکند شاید هم توجه کند اما نخواهد آن را بپذیرد و آن اینکه لازم‌ات برای اینکه فرزندم یا دانش‌آموزم بیا… نتواند تصمیم درستی درباره انتخاب رشته خود بگیرد، بروم سراغ واکاوی رفتار و اندیشه خودم و در این کار محکم و راسخ باشم. به نظر من این نکته یکی از ریشه‌های ساختن جامعه خوب و پیشرفته است که متأسفانه خیلی‌ها آن را نمی‌پذیرند! مصداق این سخن را با نظری از بانویی اهل معرفت کامل می‌کنم که می‌گوید:

«چهار بیکار چه است و چنانچه مشکلی در جایی وجود دارد باید نسبت به آن هشیار بود چون بخشی از ما هم در آن مشکل وجود دارد. وقتی شاهد چیزی هستیم، مثلاً ز تنگنا و فقر رنج می‌بریم و شاهد فقر خود یا دیگری هستیم باید عامل وجود آن را در خودمان نیز بیابیم. حتی اگر شاهد دزدی و رفتارهای غیراخلاقی هستیم باز هم باید عامل آن را در خودمان نیز پیدا کنیم. نه اینکه حتماً ما درد داشته‌شان را متقاعد کنند تا در این راه کمک آنان باشند. نوجوانان بهتر است این نکته را در نظر بگیرند که هر خانواده‌ای برای فرزندانش بهترین را می‌خواهد و چنانچه با تصمیم آنها مخالفتی دارند با کمک گرفتن از افسراد آگاه و همنظور دانا مشکل را حل کنند.چود چنین افراددائمی بسیاری از مولودی را که از نگاه آنان پنهان مانده است به آنها نشان خواهد داد. نکته مهمی که به طور کلی در انتخاب‌ها وجود دارد توجه به ندای درونی یا همان چیزی است که دل گواهی می‌دهد. شاید برخی از نوجوانان این ارتباط معنوی را امروز ندانند و از وجود آن سر‌باز زندگی و واقعیت‌های زندگی ما می‌توانیم به وسیله آگاهی‌رونی که در وجود ما قرار داده شده است و هر آن یاد رک و خواستن ما تازه می‌شود، به آنچه بریمان در دست لازم است آگاه‌شویم. این خرد که از خرد ناپایان پروردگار در دل ماجریان دارد چراغ بزرگ و همیشه روشنی است که با باور ما می‌تواند پرنور تر هم شود. این چراغ پر نور را اشتباه به ما نشان خواهد داد. بهتر است به این خرد که روشن‌کننده مسیر است، اعتماد بیشتری کنیم. باین اعتماد می‌شود بر سختی‌ها هم غلبه کرد. انتخاب بر رشته و هر راهی سختی‌هایی در پی خواهد داشت که ممکن است نوجوان را بترساند. استادی می‌گفت اگر راهی را که به دلمان می‌آفتد انتخاب کنیم، مسئولیت‌هایش را هم خواهیم پذیرفت. در واقع این جمله بیانگر آن است که هر که تفکرات خودم که یک عمر با خود داشت و فرزندانی و فرزندانم داشته‌ام

و اطرافیان و فرزندانم داشته‌ام

فراموشی نسپاریم.
اگر در باره انتخاب رشته فرزندم بیبذ یرم که چنانچه شاهد سمسستی و ناتوانی او در گرفتن این مهم هستم، پس یک جای کار در وجود خود من نیاز به اصلاح دارد، در این صورت مسئولیت زیادی را بر گردن خود انداخته‌ام. با این کار با یسد بروم سراغ رفتارها و تفکرات خودم که یک عمر با خود داشت و فرزندانی و فرزندانم داشته‌ام

## درد

فرزند خانواده در این برزخ که من کدام راه را بروم گیر کرده و نمی‌داند در دوره‌ای هایی که سر راهش قرار گرفته، کدام راه را برگزیند و چه تصمیمی بگیرد که در این بین دچار مشکل دیگری هم می‌شود و آن اینکه «چرا نمی‌توانم تصمیم بگیرم؟ حتماً من آدمک کودن و نالایقی هستم.»
این احساس ناخوشایند که معمولاً در اثر فشارهای خانواده یا محیط آموزشی بر نوجوان وارد می‌شود

داشته است در این انتخاب تأثیر زیادی دارد. این محیط اگر موفق عمل کرده باشد توانسته است این راه‌ها مهذب‌دهد که حالا بدانیم راه کجاست تا رشته‌ای که برای وارد شدن به آن نیاز داریم را بشناسیم. این محیط اگر موفق عمل نکرده باشد ما که حالا به دنبال راهی برای فراگیری مفیدتر و مناسب‌تر هستیم را کمی گیج می‌کند. در این مورد ما بیشتر از افرادی که همانند خودمان بزرگ نشده‌اند، نیاز به اندیشه داریم و شاید پیش از آنها نیاز به تعمق و خودشناسی.

که شاید بتوان گفت بحث پول و درآمد در مراتب بعدی آن قرار می‌گیرد.

برای مصداق این سخن به زندگی نویسندگان اشاره می‌کنم که رشته تحصیلی دلخواهش را در دبیرستان نداشت. او که به هنر علاقه زیادی داشت به اجبار خانواده به جای رفتن به هنرستان و تحصیل در رشته‌های هنری به دبیرستان رفت و در رشته علوم تجربی درس خواند. خودش می‌گوید تمام سال‌های دبیرستان را به سختی گذراندم و با آنکه چیزهای زیادی از کتاب‌ها و درس‌ها مباحث پیچیده‌ای که داشتند یاد می‌گرفتم، ولی دلم هنر را می‌خواست و روح هنر را می‌طلبید. برای همین در بیشتر رنگ‌های مدرسه حواسم به دبیر نبود و در دنیای خودم، شعر می‌سرودم. کتاب «مینا و شب آخ» یکی از رمان‌های اوست که چاپ و منتشر شده است. به خاطر رشته‌ای که در آن درس خواند نتوانست در دانشگاه هم وارد هنر شود برای همین از مدرک دانشگاه‌اش هم پشیمان نشد. او همیشه وقتی از کتاب‌ها و درس‌ها مدرکت چیست؟ می‌گفت کارشناسی! این نویسنده با این مدرک در جایی استخدام نشد و کاری انجام نداد و تنها با آنچه هنر درونی و خدادادی‌اش بود توانست برای سالیان مشغول کار شود. او همیشه می‌گوید بهترین سال‌های زندگی‌ام که می‌توانست با هنر سپری شود، بین فرمول‌های فیزیک و شیمی و مباحث پیچیده زیست‌شناسی گذشت.

کامتر و توان‌تر از آن ببیند که بتواند در راهی شود که دوست دارد. شاید این نوجوان یا جوان از هر کسی هم بهتر بداند که چه چیزی می‌خواهد و واقعاً چه رشته‌ای را دوست دارد ولی شهامت انتخاب آن را نداشته باشد. مانند خیلی از ما که در زندگی باور نداشته‌ایم که کار بزرگی را که در ذهن داشته‌ایم بتوانیم انجام دهیم، در حالی که به‌راستی و در عمل خیلی خوب از پس انجام دادنش برآمده باشیم. بسیاری از نوجوانان از چند هفته پیش انتخاب خود انجام داده و ثبت‌نام کرده‌اند اما جالب اینجاست که خیلی از آنان از انتخاب خود خوشحال نیستند. شاید بهتر باشد برای راهی از برخی سردرگمی‌ها از مشاور یا فردی آگاه کمک بگیریم. کمک گرفتن از افراد آگاه و صحبت با افراد مختلف در مشاغل گوناگون، کمک‌بزرگی به نوجوان خواهد کرد. شاید نوجوانان با در نظر گرفتن رشته مورد نظر خود لازم باشد تا خانواده‌شان را متقاعد کنند تا در این راه کمک آنان باشند. نوجوانان بهتر است این نکته را در نظر بگیرند که هر خانواده‌ای برای فرزندانش بهترین را می‌خواهد و چنانچه با تصمیم آنها مخالفتی دارند با کمک گرفتن از افسراد آگاه و همنظور دانا مشکل را حل کنند.چود چنین افراددائمی بسیاری از مولودی را که از نگاه آنان پنهان مانده است به آنها نشان خواهد داد. نکته مهمی که به طور کلی در انتخاب‌ها وجود دارد توجه به ندای درونی یا همان چیزی است که دل گواهی می‌دهد. شاید برخی از نوجوانان این ارتباط معنوی را امروز ندانند و از وجود آن سر‌باز زندگی و واقعیت‌های زندگی ما می‌توانیم به وسیله آگاهی‌رونی که در وجود ما قرار داده شده است و هر آن یاد رک و خواستن ما تازه می‌شود، به آنچه بریمان در دست لازم است آگاه‌شویم. این خرد که از خرد ناپایان پروردگار در دل ماجریان دارد چراغ بزرگ و همیشه روشنی است که با باور ما می‌تواند پرنور تر هم شود. این چراغ پر نور را اشتباه به ما نشان خواهد داد. بهتر است به این خرد که روشن‌کننده مسیر است، اعتماد بیشتری کنیم. باین اعتماد می‌شود بر سختی‌ها هم غلبه کرد. انتخاب بر رشته و هر راهی سختی‌هایی در پی خواهد داشت که ممکن است نوجوان را بترساند. استادی می‌گفت اگر راهی را که به دلمان می‌آفتد انتخاب کنیم، مسئولیت‌هایش را هم خواهیم پذیرفت. در واقع این جمله بیانگر آن است که هر که تفکرات خودم که یک عمر با خود داشت و فرزندانی و فرزندانم داشته‌ام

فراموشی نسپاریم.

## درد

اگر در باره انتخاب رشته فرزندم بیبذ یرم که چنانچه شاهد سمسستی و ناتوانی او در گرفتن این مهم هستم، پس یک جای کار در وجود خود من نیاز به اصلاح دارد، در این صورت مسئولیت زیادی را بر گردن خود انداخته‌ام. با این کار با یسد بروم سراغ رفتارها و تفکرات خودم که یک عمر با خود داشت و فرزندانی و فرزندانم داشته‌ام

فراموشی نسپاریم.

|یکشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۸ | ۸ محرم ۱۴۴۱ |